

واکاوی فقهی ادله حرمت استفاده از

سلاح های کشتار جمعی

○ علی میثمی تهرانی *

چکیده

یکی از مسائل مستحدثه در عرصه فقه حکومتی، حکم استفاده از سلاح های کشتار جمعی در جنگ علیه کفار حربی است. مؤلف پس از تعریف مسئله و بیان موضوع، در پی اثبات این است که اصل اولی در این موضوع از منظر اسلام حرمت است؛ در ادامه نیز با طرح ادله ای نظیر حرمت مسموم کردن آب های آشامیدنی و مناطق مسکونی دشمن در جنگ، حرمت اعتدا و ظلم و زیر پا گذاشتن عدالت، حرمت کشتار غیرنظامیان، حرمت عهدشکنی، حرمت استفاده از سلاح های آتش زادر جنگ، قاعده سعی در فساد، قاعده وزر، ضرورت پیروی از حکم حاکم اسلامی، حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی را از منظر فقه شیعه اثبات کرده و ادله مخالفان، نظیر قاعده

* محقق و مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم.

اعتدا و اصل بازدارندگی و مقابله به مثل را پاسخ داده است.
کلید واژگان: سلاح های کشتار جمعی، نقض عهد، القای سم، اعتدا، عدالت، اخلاق
 اسلامی، جهاد، مقاتله.

مقدمه

در دنیای معاصر با توسعه تکنولوژی در زمینه های مختلف، در عرصه تسلیحات جنگی نیز تحولات گسترده ای رخ داده است؛ آن چنان که بشر امروزی به سلاح هایی دست یافته که با استفاده از آن، می تواند چندین بار کره زمین را با خاک یکسان کند. این نوع تسلیحات که در اصطلاح، در زمره تسلیحات کشتار جمعی قرار می گیرد، یکی از عمده ترین چالش های فرا روی بشر امروزی به شمار می رود. در حقوق بشر دوستانه معاصر، قواعدی با عنوان مقررات حاکم بر جنگ معین شده است.^۱ دقت در آداب جنگ - یا به تعبیر صحیح تر، جهاد - در اسلام، این حقیقت را آشکار می کند که آنچه امروزه در نظام حقوق بین المللی مورد تأکید قرار گرفته، در آموزه های اسلام از دیرباز وجود داشته است. بنابراین می توان مدعی بود که فرهنگ اسلام نخستین مبدأ تدوین قواعد بشر دوستانه بین المللی بوده است.^۲ این در حالی است که در آموزه های تحریف شده ادیان دیگر، نه تنها بر حقوق بشر دوستانه تأکید نشده، بلکه تشویق های فراوانی برای سرکوبی مطلق دشمن صورت گرفته است.^۳

۱. ر. ک: ظالمی، الفقه السياسي في الاسلام، ص ۵۶، ۷۴، ۱۱۹ و ۱۲۰؛ زحیلی، العلاقات الدولية في الاسلام مقارنة بالقانون الدولي الحديث، ص ۶۷؛ محمد کاظم مکی، النظم الاسلاميه، ص ۲۶۵.

۲. محقق داماد «تدوین حقوق بشر دوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، ص ۱۵۲.

۳. ر. ک: زحیلی، آثار الحرب في الفقه الاسلامی، ص ۴۴؛ نوای، العلاقات الدولية والنظم القضائية في الشريعة الاسلاميه، ص ۱۲۳؛ علی منصور، الشريعة الاسلامية والقانون الدولي العام، ص ۳۳۱ و ۳۷۹؛ لیون، تمدن اسلام و عرب، ص ۳۳۳.

این خود گواه تفاوت ماهیتی نگاه اسلام با دیگر مکاتب به جنگ است. با بررسی احکام متعالی اسلام در باب جنگ، به مقرراتی دست می‌یابیم که استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را به صراحت ممنوع اعلام می‌کنند؛ در واقع دین مبین اسلام از همان آغاز بر مبنای هدایت بشر بنا شده و انگیزه و دلیل جهاد فی سبیل الله در منطق اسلام، هرگز انتقام‌جویی، جاه‌طلبی، کشورگشایی، به دست آوردن غنائم و اشغال سرزمین‌های دیگران نبوده و نیست؛ بلکه اسلام همه اینها را محکوم کرده است و می‌گوید استفاده از سلاح و جهاد کردن فقط باید در راه خدا و برای اجرای قوانین الهی و گسترش توحید و عدالت و دفاع از حق و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد و بس، نه نسل‌کشی و قتل عام بندگان مستضعف خدا.^۴

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا
وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا؛^۵

و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.

در این مقاله مهم‌ترین ادله فقهی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از منظر فقه شیعه، بررسی می‌شود.

۱. تبیین موضوع و روش تحقیق در آن

۱-۱. تبیین مسئله

موضوع سلاح‌های کشتار جمعی دارای جنبه‌های فقهی گسترده‌ای است؛ نظیر حکم

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۸.

۵. نساء، آیه ۷۵.

تولید، نگهداری، خرید و فروش و ...؛ ولی روشن است که بحث تفصیلی درباره همه آنها از حوصله این نوشته خارج است. بر این اساس، مقاله حاضر تنها در پی تبیین برخی از مهم‌ترین ادله فقهی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در عرصه مجاهده با کفار حربی است. حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در برابر مسلمانان، اهل کتاب و کفار غیر حربی نیز هر چند موضوع بحث مستقیم این مقاله نیست، لازمه فقهی حکم حرمت در مسئله محل بحث، به قیاس اولویت است. اصطلاح «سلاح‌های کشتار جمعی» را نخستین بار سراسقف کلیسای کانتنبوری، در ۲۸ دسامبر ۱۹۳۷ هنگام توصیف ویرانی‌های ناشی از بمباران شهر گرینیکای اسپانیا به کار برد. بعدها در سال ۱۹۴۸، عبارت «تسلیحات کشتار جمعی» در یکی از اسناد کمیسیون «تسلیحات نوع متعارف» به کار رفت و از آن پس رواج گسترده‌ای یافت.^۶ معیار تشخیص این سلاح‌ها از دیگر تسلیحات، یکی قدرت تخریبی بالای این سلاح‌ها و دیگری هدف به کارگیری آنهاست؛ زیرا ماهیت این سلاح‌ها قدرت تخریب آنهاست و جز به منظور کشتار وسیع به کار نمی‌روند. آثار مخرب آنها چنان است که نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. این آثار عموماً پیش‌بینی‌ناپذیر و مهارناشدنی‌اند. از این روست که این سلاح‌ها را سلاح‌های وحشت نیز می‌نامند.^۷ امروزه مشهورترین سلاح‌های کشتار جمعی عبارت‌اند از: سلاح‌های اتمی، بیولوژیک و شیمیایی. از آنجا که موضوع بحث اعم از این مصادیق است، حکم آن، شامل تمامی این مصادیق خواهد بود.

۲-۱. اهمیت موضوع شناسی

موضوع شناسی در این گونه مباحث فقهی اهمیت ویژه‌ای دارد و فقیه

۶. ممتاز، حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه امیرحسین رنجریان، ص ۸ و ۱۲.

۷. همان، ص ۱۳-۱۴.

نمی‌تواند بدون پرداختن به موضوع شناسی، حکم فقهی صحیحی را در این گونه موارد صادر کند؛ تا آنجا که شاید بتوان ادعا کرد اهمیت منطق موضوع شناسی در این مباحث نوظهور، کمتر از اهمیت منطق حکم شناسی نیست و یکی از روشن‌ترین موارد تأثیر زمان و مکان در اجتهاد جواهری پویا را می‌توان همین اهتمام به موضوع شناسی مسائل نوظهور فقهی دانست؛ زیرا موضوع شناسی فقیه در این گونه مسائل پیچیده نوظهور، بر حکم فقهی وی در این باب تأثیر فراوانی خواهد داشت. با نگاه محققانه فقهی به مسئله مورد بحث، درمی‌یابیم که نمی‌توان تمامی سلاح‌ها را تحت عنوانی عام دسته‌بندی کرد و حکم یکسانی برای همه آنها داد و مدعی نگاه یکسان شارع مقدس به تمامی آنها شد. اگر فقیه بداند که سلاح‌های کشتار جمعی در یک لحظه ده‌ها هزار نفر را نابود می‌کند و آثار ماندگار این سلاح‌ها - که به شکنجه‌ای تاریخی شبیه است - تا نسل‌های بعد هم باقی می‌ماند، قطعاً در استنباط او از حکم فقهی مؤثر است. بر این اساس، کسانی که قرار است در خصوص حکم فقهی سلاح‌های کشتار جمعی اظهار نظر فقیهانه کنند، باید شناخت موضوع را در اولویت قرار دهند؛ چون اگر کسی از ماهیت این موضوع آگاهی صحیحی نداشته باشد و نداند که آثار تخریبی این سلاح‌ها در طول و عرض حیات بشری چگونه و تا چه حد است، چه آثاری بر نسل‌های آینده دارد و در زمان انفجار چه گستره‌ای از انسان‌ها و زمین را نابود می‌کند، اساساً نمی‌تواند حکم درستی از اسلام در این باب استنتاج کند.

اگرچه موضوع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از مسائل جدید است، اما می‌توان موارد مشابه آن را در فقه پیدا کرد؛ مواردی نظیر مسموم کردن آب‌ها و مناطق، آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها، جاری کردن آب به سمت دشمن برای غرق کردن آنها و

۲. مقتضای اصل اولی در موضوع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در مباحث فقهی بحثی با عنوان «مقتضای اصل اولی» مطرح است تا اگر دست فقیه از ادله‌ای که حکم مسئله را روشن کند کوتاه شد و یا اینکه ادله مطرح شده از سوی وی پذیرفته نشد، به مقتضای آن اصل رجوع شود. آنچه از مجموعه معارف دینی به دست می‌آید، این است که مقتضای اصل اولی در این مقام، حرمت استفاده از هرگونه سلاح کشتار جمعی است که موجب اذیت و آزار و قتل عام انسان‌ها و حتی حیوانات، یا موجب نابودی محیط زیست شود. اصلی‌ترین ادله‌ای که این اصل را ثابت می‌کند، اطلاق و عموم بسیاری از آیات و روایاتی است که بر احترام جان و مال انسان‌ها، بلکه احترام حیات حیوانات و نباتات دلالت دارد؛ از جمله، اطلاق و عموم آیاتی نظیر:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا^۸؛
هرکس، دیگری را نه به قصاص، قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد.
وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفَسَادَ^۹؛

و چون والی و سرپرست کاری شود- و قدرت و ریاست یابد یا چون پشت کند و از نزد تو بازگردد- می‌کوشد تا در زمین تباهی کند و کشت و نسل- دام یا نژاد- را نابود سازد و خدا تباهکاری را دوست نمی‌دارد.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ^{۱۰}؛

و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید.

۸. مائده، آیه ۳۲.

۹. بقره، آیه ۲۰۵.

۱۰. انعام، آیه ۱۵۱.

همچنین عموم و اطلاق روایات معصومین (ع) در مورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه ها، مزارع، کشتن حیوانات، و ... است. به عنوان مثال، امام صادق (ع) می فرماید: هرگاه رسول خدا (ص) می خواست لشکری اعزام کند، آنها را در مقابل خود می نشاند و پس از توصیه به تقوای الهی می فرمود:

سَيُرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْلُوا وَ لَا تَمْتَلُوا وَ لَا تَغْدُرُوا وَ لَا تَقْتُلُوا شَيْخاً قَانِياً وَ لَا صَبِيّاً وَ لَا امْرَأَةً وَ لَا تَقْطَعُوا شَجراً إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا وَ أَيَّمَا رَجُلٍ مِنْ أَدْنَى الْمُسْلِمِينَ أَوْ أَفْضَلِهِمْ نَظَرَ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَهُوَ جَارٌ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ فَإِنْ تَبِعَكُمْ فَاخْوَكُم فِي الدِّينِ وَ إِنْ أَبِي فَأَبْلَغُوهُ مَأْمَنَةً وَ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ^{۱۱}؛

با نام خدا و استعانت از او و برای او و بر سنت پیامبرش حرکت کنید، کسی را به غل و زنجیر نکشید، مثله نکنید، در نبرد مکر و فریب به کار نبندید، پیران فرتوت و کودکان و زنان را نکشید و درختان را قطع نکنید مگر که ناچار شوید و هرکس از مسلمانان چه پست ترین شان و چه برترین شان، به یکی از کفار مهلت داد آن شخص در پناه مسلمانان است تا کلام خدا را بشنود، اگر اسلام را پذیرفت، برادر دینی شماست و گرنه، او را به محل خود بازگردانید و از خداوند طلب یاری کنید.

همچنین امیر مؤمنان، علی (ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر می فرماید: ... و اشعر قلبك الرحمة للرحمة ... و لا تكوننَّ عليهم سبُعاً ضارياً تغتتمُ أكلهم. فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ: إِمَّا أَخَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ ...؛^{۱۲}

قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن ...

۱۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، کتاب الجهاد، ص ۵۸.

۱۲. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان مباح که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آنها دو گروه بیش نیستند؛ یا برادران دینی تو هستند و یا انسانهایی همچون تو.

بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات می توان نتیجه گرفت که اصل اولی در اسلام، حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران، حتی غیر مسلمانان است. بر این اساس هر چند از این اطلاق و عموم، مواردی خاص تخصصاً، یا با تخصیص و تقیید خارج شده است، باز هم در صورت شک در مسئله ای نظیر حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی، به عموم و اطلاق ادله اولیه رجوع کرده و اصل بر حرمت است.

۳. ادله فقهی حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی
در این بخش، هشت دلیل اصلی از ادله فقهی حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی را بررسی می کنیم.

۱-۳. حرمت مسموم کردن آب های آشامیدنی و مناطق مسکونی دشمن
از رسول خدا (ص) روایتی با نقل های مختلف، اما مضمون واحد وارد شده است که بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن دلالت دارد: «عن سکونی عن جعفر عن ابيه عن علي (ع): ان النبي (ص) نهى ان يلقى السم في بلاد المشركين؛ رسول خدا (ص) از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است»^{۱۳}، «عن علي (ع): ان النبي نهى ان يرمي السم في بلاد المشركين؛ رسول خدا (ص) از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است»^{۱۴}. هر چند برخی در سند این

۱۳. ر. ك: طوسی، تهذیب الاحكام، ج ۶، ص ۱۴۳؛ مجلسی ثانی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱۹، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۱۴. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۵، ص ۹۷؛ کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

حدیث از آن جهت که سکونی در آن واقع شده است اشکال کرده اند، ولی اکثر قریب به اتفاق رجالیون، وی را مقبول الروایه دانسته اند؛ حتی حضرت آیت الله خوئی که معروف به سختگیری در توثیقات است، از این روایت به معتبره سکونی تعبیر کرده و طبق آن فتوا داده است. افزون بر این، بسیاری از فقهای قدیم و معاصر طبق آن فتوا داده اند.

همان گونه که مشاهده می شود، در خود روایت از عنوان عام «بلاد» استفاده شده و نامی از آب یا زمین یا هوا برده نشده است؛ بلکه حضرت به صورت مطلق فرموده اند سم پاشیدن در سرزمین مشرکان ممنوع است. پس ظهور و دلالت منطوقی روایت شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، آب و ... می شود؛ ویژگی ای که در بیشتر سلاح های کشتار جمعی معاصر وجود دارد. علاوه بر این، هر چند نهی در این روایات در مورد سم وارد شده است، ملاک نهی اختصاص به سم ندارد و قطعاً عنوان سم دارای موضوعیت نیست؛ بلکه این عنوان به هرگونه سلاحی اشاره دارد که سبب کشتار افراد بی گناه در خارج از مناطق جنگی - اعم از انسان ها و حیوانات - می باشد و یا به مزارع و محیط زیست آسیب می رساند. به بیان دیگر، این گونه احکام جنبه تعبیدی ندارد تا ملاک حرمت، تنها موضوع سم دانسته شود و الغای خصوصیت جایز نباشد؛ بلکه از احکام توصلی است. لذا می توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای کشتار جمعی تعمیم داد که همانند سم، بلکه در حد بیشتری، سبب نابودی می شوند. ۱۵ علاوه بر این،

۱۵. ر. ک: سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۵، ص ۱۲۴؛ شهید ثانی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۲، ص ۳۹۲؛ همو، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۲۵؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تصحیح عباس قوچانی، ج ۲۱، ص ۶۸.

می‌توان مدعی شد این عنوان شامل هرگونه سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود؛ زیرا به قیاس اولویت، آسیب سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح‌های هسته‌ای، بسیار بیشتر و به مراتب هولناک‌تر از مسموم کردن آب شهر دشمن است. بنابراین به اولویت قطعی حاصل از دلالت مفهومی روایت، می‌توان گفت اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح‌های میکروبی و شیمیایی به طریق اولی حرام است. علاوه بر این، مطابق برخی نقل‌ها از این روایت که می‌فرماید:

لا یقطع الأشجار المثمرة ولا تحرق إلا أن يدعوإلی ذلك ضرورة، ولا یلقى

السم فی دیارهم...؛^{۱۶}

قطع کردن درختان میوه و سوزاندن آنها مگر در حالت ضرورت و همچنین

ریختن سم در دیار کفار و دشمن جایز نیست.

برمی‌آید که در مواردی نظیر سوزاندن و قطع درختان، یا مبارزه با زنان و کشتن ایشان، استثنائاتی وجود دارد؛ نظیر اینکه زن به میدان مبارزه نظامی وارد شود یا اینکه پیروزی متوقف بر قطع درختان باشد؛ ولی در موضوع مسموم کردن، هیچ استثنایی وجود ندارد و به طور مطلق ممنوع است؛ چرا که هدفمند نیست و هر کسی که در معرض آن قرار گیرد، از بین می‌رود؛ پس روشی ناجوانمردانه است^{۱۷} و محال است اسلام با اقدامات بی‌منطق کشتار جمعی موافقت داشته باشد.^{۱۸} بنابراین بر اساس این روایت، امروزه که دامنه آسیب‌رسانی کنترل نشده تسلیحات

۱۶. القاضی ابن برّاج، المهذب، ج ۱، ص ۲۹۹.

۱۷. محقق داماد، «تدوین حقوق بشر دوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، ص ۱۹۰.

۱۸. ر. ک: علامه حلّی، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۴۱.

کشتار جمعی به هیچ وجه با استفاده از سم قابل مقایسه نیست، به طریق اولی به کارگیری این تسلیحات از منظر اسلام ممنوع خواهد بود.^{۱۹}

۲-۳. حرمت اعتدا و ظلم و زیر پا گذاشتن عدالت

یکی از عناوینی که در فقه اسلامی مشتمل بر احکام تکلیفی و وضعی بسیاری است، عنوان اعتداست. از جمله احکام مربوط به این عنوان، حرمت تجاوز از حد با استفاده از سلاح های کشتار جمعی در جنگ است. بر اساس آیات و روایاتی که بر حرمت اعتدا در میدان جنگ با دشمن دلالت دارند، می توان به طور قطع به حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی فتوا داد. آیاتی که بر حرمت و منع اعتدا و تجاوز در استفاده از ابزارهای جنگی دلالت دارند، فراوان است؛ نظیر:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^{۲۰}
و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید و از اندازه درنگزید؛
زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد.

این آیه از کلیدی ترین آیات درباره حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به شمار می رود؛ زیرا می توان درباره جنگ با دشمنان از آن استفاده کرد. بر اساس این آیه، استفاده از هرگونه سلاح جنگی که مصداق تعدی و تجاوز از حد باشد،

۱۹. ر. ک: طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۵۱؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۴۰۳، مسئله ۱۴؛ محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۳۸۵؛ شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، ج ۲، ص ۳۲؛ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۳۹۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۳۴۴؛ صدر، ماوراء الفقه، ج ۲، ص ۳۸۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۱؛ نجفی، جواهر الکلام، کتاب الجهاد، ج ۲۱، ص ۶۶؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۲۰. بقره، آیه ۱۹۰.

حرام است. نکته ظریفی که در استنباط فقهی از این آیه وجود دارد، این است که حرمت اعتدا و گسترش جنگ به کشتار غیر نظامیان دشمن از باب تخصیص نیست، بلکه زنان و کودکان و پیران و همانند آنها تخصصاً خارجند.^{۲۱} نیز از این آیه برمی آید، افزون بر حرمت کشاندن جنگ به غیر نظامیان، تعدی به باغستان ها، گیاهان و زراعت ها و نیز استفاده از مواد سمی برای مسموم کردن آب های آشامیدنی دشمن، یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی هم جایز نیست؛^{۲۲} زیرا نهی در «لا تعتدوا» مطلق است و شامل هرگونه اعتدا، حتی به محیط زیست هم می شود.^{۲۳}

آیه دیگر مرتبط با این موضوع عبارتست از:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛^{۲۴}

ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید. عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیک تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

هر چند این آیه به جنگ اختصاص ندارد، مفید این معناست که در اسلام، دشمنی مسلمانان با برخی انسان ها هرگز مجوز ظلم نیست و مجاهدان مسلمان

۲۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، ص ۸۸.

۲۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹.

۲۳. مقدس اردبیلی، زیادة البیان فی احکام القرآن، ص ۳۰۶.

۲۴. مائده، آیه ۸.

هیچ گاه نباید در برخورد با دشمن از جاده عدالت خارج شوند؛ زیرا جهاد در اسلام، آدم کشی صرف نیست و شرایط متعددی دارد؛ از جمله: پرهیز از جنگ های کور و بدون هدف، ضرورت رعایت اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، حرمت کشتار غیر جنگجویان حربی، اعم از کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران، اطفال، زنان، ناینبایان، معلولان، راهبان و صومعه نشینان، محدودیت زمانی و تحریم آغازگری جنگ در ماه های حرام، محدودیت مکانی و تحریم گسترش جنگ به اماکن محترم اعم از مسجدالحرام یا اماکن مقدس دیگر، حتی کنیسه ها و کلیساها، محدودیت روشی به معنای جایز نبودن کشتار دشمن با هر وسیله ممکن (حتی در صورت اقدامات غیر انسانی دشمن).^{۲۵}

از آیه:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَكَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛^{۲۶}

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین، نجنگیده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند، باز نمی دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد.

نیز می توان همین معنا را استفاده کرد. در کنار آیات، بسیاری از روایات نیز بر

حرمت تعدی در جنگ دلالت دارند؛ از جمله:

۲۵. ر. ک: ضیایی بیگدلی، اسلام و حقوق بین الملل، ص ۱۴۶-۱۵۳؛ مدرسی، تفسیر هدایت، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابواتله، الاسلام والعلاقات الدولية في السلم والحرب، ص ۱۸۷؛ زحیلی، آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ص ۲۱؛ محقق داماد، «تدوین حقوق بشردوستانه بین المللی و مفهوم اسلامی آن»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، ص ۱۶۵.

۲۶. ممتحنه، آیه ۸.

محمد بن یعقوب عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمّار، قال: أظنّه عن أبي حمزة الثّمالي عن أبي عبد الله (ع)، قال: كان رسول الله (ص) إذا أراد أن يبعث سرّية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثمّ يقول: سيروا بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله (ص) لا تغلوا ولا تمثّلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صبياً ولا امرأة ولا تقطعوا شجراً إلا أن تضطروا إليها وأيّها رجل من أدنى المسلمين وأفضلهم نظر إلى رجل من المشركين فهو جارحتى يسمع كلام الله فان تبعكم فأخوكم في دينكم وإن أبى فأبغلوه مأمته ثم استمعينوا بالله عليه؛^{۲۷}

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه رسول خدا (ص) می خواست لشکری را به سویی بفرستد آنها را فرا می خواند و پیش روی خود می نشانید و سپس به آنها می گفت: به نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر آیین رسول او حرکت کنید، کسی را به غل و زنجیر نکشید، خیانت نکنید، کسی را گوش و بینی نبرید، فریبکار و خدعه گر نباشید، پیرمرد از کار افتاده را به قتل نرسانید، زنان و کودکان را نکشید، درختی را قطع نکنید مگر آنکه ناچار به قطع آن گردید و هر کدام از مسلمانان چه پست ترین آنها و چه برترین شان که به مردی از مشرکین مهلت داد آن شخص مشرک در پناه آن مسلمانان است تا کلام خدا را بشنود پس اگر (در اثر شنیدن و استماع) به پیروی شما (و دین خدا) درآمد او برادر شما در دین محسوب می شود و اگر حاضر به پذیرفتن دین حق نشد، او را به امان گاهش (و خانه و کاشانه اش) برسانید و از خدا بر او کمک گیرید.

عن علي بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله (ع) قال: إن النبي (ص) كان إذا أراد أن يبعث أميراً على سرّية أمره بتقوى الله عزّ

وجلّ في خاصّة نفسه ثمّ في أصحابه عامّة، ثمّ يقول: اغزوا [اغز] بسم الله وفي سبيل الله قاتلوا من كفر بالله ولا تغدروا ولا تغلّوا ولا تمثّلوا ولا تقتلوا وليدًا...؛^{۲۸}

هرگاه رسول خدا(ص) می خواست امیری را بر سپاهی بگمارد و به جنگ بفرستد او را به رعایت تقوا در مورد خود و در مورد سپاهانش فرمان می داد و سپس به آنها می گفت: به نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر آیین رسول او با کفار جنگ کنید، خیانت نکنید، کسی را غل و زنجیر نکنید، کسی را گوش و بینی نبرید، فریبکار و خدعه گر نباشید، کودکان را نکشید.

روينا عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن علي (ع): أن رسول الله(ص) إذا بعث جيشاً أو سرية أوصى صاحبها بتقوى الله في خاصة نفسه و بمن [من] معه من المسلمين خيراً وقال: اغزوا بسم الله وفي سبيل الله و على ملّة رسول الله . لا تقتلوا القوم حتّى تحتجّوا عليهم ... ولا تقتلوا وليدًا و لا شيخاً كبيراً و لا امرأة- يعني إذا لم يقاتلوكم- ولا تمثّلوا ولا تغلّوا ولا تغدروا؛^{۲۹}

هرگاه رسول خدا(ص) می خواست لشکری را به سویی بفرستد آنها را توصیه به تقوا می کرد و سپس به آنها می گفت: به نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر آیین رسول او با این گروه بجنگید تا بر آنان غلبه کنید...، خیانت نکنید، کسی را گوش و بینی نبرید، فریبکار و خدعه گر نباشید، پیرمرد از کار افتاده را به قتل نرسانید، زنان و کودکان را نکشید، درختی را قطع نکنید مگر آنکه ناچار به قطع آن گردید.

۲۸ . ر. ك: كليني، الفروع من الكافي، ج ۵، ص ۲۹-۳۰؛ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۵۹، ح ۳؛ مجلسی ثانی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۹، ص ۱۷۹.

۲۹ . ر. ك: تميمی مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۶۹؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۹-۴۰.

سیره جهادی پیامبر اسلام (ص) نیز روشن می‌کند که جنگ جوانمردانه در اسلام یک اصل است. در اسلام مبارزه در راه خدا و برای خداست؛ از این رو هیچ مبارز مسلمانی نمی‌تواند کوچک‌ترین ستمی در حق افراد دشمن انجام دهد یا بی‌عدالتی را وسیله رسیدن به پیروزی قرار دهد. پایبندی به اصول و ارزش‌های انسانی در اسلام چنان اهمیتی دارد که حتی ناجوانمردی دشمن، عدول از ارزش‌های انسانی را روا نمی‌سازد.^{۳۰}

بر این اساس در جنگ حنین، پیامبر(ص) نه تنها اکثریت را بخشید و اموال و اسیران کافران را به آنها برگرداند، بلکه مالک بن عوف، رهبر هوازن را نیز عفو کرد و صد شتر به او داد و بعد از اینکه مالک اسلام آورد، پیامبر(ص) او را به رهبری مسلمانان هوازن (و بنی سعد) - که به نوشته ابن هشام شش هزار نفر بودند - گمارد؛ همچنین بنی سعد را به دلیل اینکه در کودکی از حلیمه سعدیه شیر خورده بود، بخشید.^{۳۱}

آن حضرت، محروم کردن دشمن از آب آشامیدنی و مسموم کردن آب را هرگز روا نمی‌داشت و هنگامی که در جنگ خیبر به او پیشنهاد شد راه آب را به قلعه یهودیان ببندد یا آب آشامیدنی آنها را مسموم کند، به شدت مخالفت کرد.^{۳۲} علاوه بر این به اسود راعی که چوپان یهودیان بود و هنگام محاصره خیبر مسلمان شد و همراه با گله گوسفندان یهودیان خیبر نزد مسلمانان آمد و به آنان پناهنده شد، فرمود: «گوسفندان، امانت یهود نزد شماست؛ هر چند در حال جنگیم، باید آنها برگردانده شوند» پیامبر(ص) این عمل را در برابر صدها سرباز گرسنه از میان سپاهیان خود انجام داد.^{۳۳}

۳۰. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

۳۱. علی اکبر حسینی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳۲. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۸-۶۲.

۳۳. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۳، ص ۳۴۴.

در جنگ خندق نیز پس از مرگ عمرو بن عبدود به دست حضرت علی(ع)، نوفل بن عبدالله، سردار دیگر مشرکان، به خندق پرت شد و ابوسفیان از ترس تلافی پیامبر(ص) و مثله شدن جسد نوفل به جای جسد حمزه(ع)، مبلغ ۱۰ هزار دینار یا درهم، برای پیامبر(ص) فرستاد تا جسد او را برگرداند، اما پیامبر(ص) هم پول و هم جسد را باز گرداند و فرمود: «ما پول مرده نمی خوریم».^{۳۴}

زمانی که بلال پس از فتح خیبر، به ناچار زن اسیری را از راهی که از کنار کشته ها می گذشت، عبور داده بود، پیامبر(ص) با لحن تنیدی به وی فرمود: «مگر رحم و عاطفه از شما برداشته شده است».^{۳۵}

براساس این روایات، در مکتب اسلام، هم هدف و هم وسیله مهم است و تنها از وسیله ای می توانیم استفاده کنیم که شریعت آن را تأیید کرده باشد. اسلام اجازه نمی دهد که مسلمانان برای یک پیروزی مقطعی و محدود به یک مکان و زمان خاص، اخلاق و انسانیت را در جنگ زیر پا گذاشته، نوعی شکست تاریخی را برای اسلام برجای گذارند.^{۳۶} بر همین اساس است که نظر محققان فقهی، به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی در جنگ حکم می شود.^{۳۷}

۳۴. مجلسی ثانی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۰۵.

۳۵. سیوطی، الدر المنثور في التفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۶؛ آیتی، ترجمه تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۳۶. ر. ک: مجلسی ثانی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۹۹؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۳۱۲؛ طباطبایی، المیزان في تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۳۷. ر. ک: طوسی، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۹۲؛ القاضي ابن برآج، المهذب، ج ۱، ص ۳۰۳؛ علامه حلی، منتهی المطلب في تحقیق المذهب، ج ۱۴، ص ۱۰۱-۱۰۴؛ همو، قواعد الاحکام في معرفة الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۴۸۶؛ همو، تلخیص المرام في معرفة الاحکام، با تحقیق و تصحیح هادی القیسی، ص ۸۰؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۳؛ احمدی میانجی، الاسیر في الاسلام، ص ۹۱.

۳-۳. حرمت کشتار غیر نظامیان

در منابع دینی، آیات و روایات متعددی بر حرمت قتل زنان، اطفال، دیوانگان و سالخوردهگان کفار دلالت دارد. پس اگر سلاح‌های کشتار جمعی به قتل ایشان منجر گردد، استفاده از آنها به طور غالب مصداق یکی از محرمات شرعی خواهد بود؛^{۳۸} به عنوان مثال در آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره درباره شخصی از دشمنان پیامبر آمده است:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ؛

و چون والی و سرپرست کاری شود- یا چون پشت کند و از نزد تو بازگردد- می‌کوشد تا در زمین تباهی کند و کشت و نسل- دام یا نژاد- را نابود سازد و خدا تباهکاری را دوست نمی‌دارد.

در این آیه خداوند به تبه‌کاری‌های مردمانی که به تعبیر قرآن «الذّالّ الخصام» هستند اشاره و در آیات بعدی جایگاه آنان را جهنم ذکر می‌کند. صدر و ذیل این آیه نشان می‌دهد که این کار، یعنی از بین بردن حرث و نسل، برخلاف رضایت خداوند است. «حرث» به معنی زراعت و «نسل» به معنی اولاد است و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می‌شود. بنابراین هلاک کردن حرث و نسل به معنای از میان بردن هرگونه موجود زنده است؛ اعم از نبات، حیوان و انسان. روشن است که سلاح‌های کشتار جمعی، از ابزارهای نابودکننده حرث و نسل است. روایات فراوانی نیز بر این معنی دلالت می‌کنند؛ به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) هنگام اعزام نیروهای مسلح به جنگ موته فرمودند:

۳۸. ر. ک: طوسی، المبسوط، ج ۲، کتاب الجهاد، ص ۱۳؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۴۵۲؛ شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۲، ص ۲۹۲.

وستجدون فيها رجالاً في الصوامع معتزلين الناس فلا تعرضوا لهم؛^{۳۹}
 البته مردانی را در دیرها خواهید یافت که از مردم کناره گرفته (و به عبادت
 مشغول) اند، مبادا متعرض آنها شوید.

سفارش ایشان در تمامی جنگ ها این بود که به پیران و زنان و کودکان تعرض
 نشود.^{۴۰} امام علی (ع) نیز در توصیه هایی به یاران خود در جنگ جمل فرمودند:

لا تقاتلوا القوم حتى يبدؤكم فانكم بحمد الله على حجة وكفكم عنهم حتى
 يبدؤكم حجة أخرى وإذا قاتلتموهم فلا تجهزوا على جريح فإذا هزتموهم
 فلا تتبعوا مدبراً ولا تكشفوا عورة ولا تمثلوا بقتيل وإذا وصلتكم إلى رحال القوم
 فلا تهتكوا سترأ ولا تدخلوا داراً ولا تأخذوا من أموالهم شيئاً و...؛

شما جنگ را آغاز نکنید تا آنان شروع کنند. به زخمی ها حمله نکنید. فراریان
 را تعقیب نکنید. لباس از تنشان نکنید و کشف عورت نکنید. کشتگان را مثله
 نکنید. به کاروان های غیر نظامی هجوم نبرید. داخل خانه ها نشوید. زنان را
 هر چند که به شما پرخاش کنند، مورد ضرب و شتم قرار ندهید.^{۴۱}
 همچنین از امام سجاده (ع) نقل شده که فرمودند:

أن رسول الله (ص) نهى عن قتل النساء والولدان في دار الحرب إلا أن
 تقاتل، وإن قاتلت أيضاً فأمسك عنها ما أمكنك؛^{۴۲}
 پیامبر از قتل زنان و کودکان در جنگ نهی کرد مگر اینکه مستقیماً وارد جنگ
 شوند و آنگاه که با آنان مجبور به جنگ می شوی نیز تا جایی که میسر است از
 آنان پرهیز کن.

۳۹. مجلسی ثانی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۶۰.

۴۰. همان، ج ۹۷، ص ۲۵.

۴۱. همان، ج ۳۲، ص ۲۱۳.

۴۲. همان، ج ۹۷، ص ۶۵، ج ۷.

نیز در حدیث دیگری آمده است که پیامبر (ص) در یکی از جنگ‌ها جنازه زنی را دید، بسیار متأثر شد و فرمود: «چرا او را کشتید؟ او که سزاوار کشتن نبود». همچنین می‌فرمود: «کودکان را در جنگ به قتل نرسانید» و در مقابل اعتراض اصحاب می‌گفتند آنها کودکان مشرکان هستند، کوبنده پاسخ می‌داد: «مگر شایسته‌ترین شما کودکان مشرکان نبودید؟»^{۴۳} سخنان مفصل حضرت امام علی (ع) در آغاز جنگ صفین درباره تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان نیز از مشی قاطع اسلام در این زمینه حکایت دارد؛ آن حضرت فرمود:

... فإذا كانت الهزيمة بإذن الله فلا تقتلوا مدبراً ولا نصيبوا معوراً ولا تجهزوا على جريح ولا تهيجوا النساء بأذى وإن شتمن أعراضكم وسببن أمراءكم فإنهن ضعيفات القوى والآنفس والعقول. إن كنا لتؤمر بالكف عنهن وأنهن لمُشركات وإن كان الرجل ليتناوَك المرأة في الجاهلية بالفهر أو الهراوة فيعيرُ بها وعقبه من بعده؛^{۴۴}

... اگر به اذن خدا شکست خوردند و فرار کردند، آنکه پشت کرده [و از جنگ، برگشته] را نکشید؛ آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید؛ مجروحان را به قتل نرسانید؛ زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند؛ که آنان در نیروی بدنی و

۴۳. ر. ك: نسائی، السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۸۴؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۴۳۵؛ محمد طی، الامام علي (ع) و مشكلة نظام الحكم، ص ۱۴۶؛ ابواتله، الاسلام والعلاقات الدولية في السلم والحرب، ص ۱۱۵ و ۱۸۵؛ باناجه، المبادئ الاسلامية للعلاقات الدولية والدبلوماسية وقت السلم والحرب، ص ۱۰۲؛ علی منصور، الشريعة الاسلامية والقانون الدولي العام، ص ۳۱۳؛ اسماعیل اسماعیلی، «اصل نخستین در برخورد با غیر مسلمانان»، مجله فقه، ش ۱۴، ص ۱۰۴؛ زحیلی، آثار الحرب في الفقه الاسلامی، ص ۴۹۷؛ ابویوسف، الخراج، ص ۱۹۵.

۴۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه شماره ۱۴؛ و نیز ج ۳، ص ۱۵ با تحقیق محمد عبده.

روانی و اندیشه کم توانند، در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی، به زنی حمله می کرد، او و فرزندانش را سرزنش می کردند.

حفص بن غیاث از امام صادق (ع) پرسید: چگونه جزیه از زنان ساقط شد؟ حضرت در جواب فرمودند:

لأن رسول الله (ص) نهى عن قتل النساء والولدان في دار الحرب إلا أن يقاتلن، فإن قاتلت أيضاً فامسك عنها ما أمكنك^{۴۵}؛

پیامبر از قتل زنان و کودکان در جنگ نهی کرد مگر اینکه مستقیماً وارد جنگ شوند و آنگاه که با آنان مجبور به جنگ می شوی نیز تا جایی که میسر است از آنان پرهیز کن.

بنابراین، پیشوایان معصوم (ع) با نهی از کشتن بیهوده و بی مبالاتی در مجازات مردم، آن را موجب زوال مُلک دانسته اند.^{۴۶} نکته فقهی در خور تأمل در بررسی این گونه روایات، این است که پیامبر اکرم (ص) کسی را صرفاً به دلیل کفر و شرک مستحق قتل ندانسته است. شاهد بر این مطلب، نهی ایشان از کشتن عده ای از مشرکان و کفار، مانند زنان، اطفال، سالخوردهگان، صومعه نشینان، بازرگانان، فرستادگان، گروگان ها و کسانی است که در خانه را به روی خود ببندند.^{۴۷} در

۴۵. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۴.

۴۶. ر. ک: ابویعلی حنبلی، الاحکام السلطانیة، ص ۵۲؛ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۴۸؛ محمد ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۷۸؛ ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۱؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۳۴۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ص ۶۲۰.

۴۷. ر. ک: طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ینابیع الفقهیة، کتاب الجهاد، ص ۵۱؛ قطب الدین راوندی، فقه القرآن، ینابیع الفقهیة، کتاب الجهاد، ص ۱۱۸؛ اسماعیلی، اصیل نخستین در برخورد با غیر مسلمانان» مجله فقه، ص ۱۰۱-۱۰۲.

حالی که اگر ملاک قتل، کفر آنها باشد، اینها نیز کافرند.^{۴۸} اهمیت جان غیر نظامیان، به ویژه زنان و کودکان به حدی است که مشهور فقهای امامیه، معتقد به مصونیت زنان و کودکان از تعرض هستند؛ هر چند جنگجو باشند. مرحوم صاحب جواهر ادعا می کند که برای ممنوعیت کشتن زنان و کودکان، مخالفی نیافته و علامه حلی ممنوعیت قتل این افراد را اجماعی می داند.^{۴۹} بنابراین، نسل کشی از منظر اسلام ذاتاً حرمت شرعی دارد و از گناهان کبیره به شمار می آید. اسلام به حکم اصل کلی «و لقد کرّمنا بنی آدم»،^{۵۰} برای هر انسانی احترام قائل شده و در فقه اسلامی کشتن هر بی گناهی محکوم به حرمت است. واضح است که استفاده از سلاح های کشتار جمعی سبب از بین رفتن زنان، کودکان و انسان های بی گناه می شود؛ در حالی که از منظر فقه اسلامی غیر نظامیان هرگز نباید هدف تهاجم قرار گیرند و قتل عام شوند؛ زیرا عموم آنها به مقاتله برنخاسته اند و بنابراین مصونیت دارند.^{۵۱} از این رو اسلام هیچ گاه اجازه به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی را که مشخصه بارز آنها کشتار بدون کنترل و بی حد و حصر و بدون تفکیک افراد نظامی و غیر نظامی از همدیگر است، نخواهد داد. بدون شک استفاده از این گونه

۴۸. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، ص ۶۸؛ خویی، منهج الصالحین، ج ۱، ص ۳۷۳.

۴۹. ر. ک: طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۲، ص ۱۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۵؛ علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ص ۹۱۱؛ همو، تلخیص المرام فی معرفة الاحکام، ص ۸۰؛ سید عبد الاعلی سبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۵، ص ۱۲۶-۱۲۴؛ حسینی شیرازی، الفقه، ج ۴۷، ص ۲۰۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۹۳؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۴۹-۵۳؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۵۰. اسراء، آیه ۷۰.

۵۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۹.

تسلیحات، با آموزه های مسلم اسلامی که بنیان آنها بر هدایت و کرامت ذاتی بشریت است، در تضاد آشکار است. ۵۲

۳-۴. حرمت عهد شکنی

بر اساس آیات و روایات یکی از ویژگی های اصلی مؤمنان راستین، وفای به عهد است. از نظر عقل و عقلا و عرف نیز وفای به پیمان ها اساس شکل گیری روابط حسنه اجتماعی و بین المللی است. برخی آیات کتاب الهی درباره وفای به پیمان و قرارداد - که با تعابیر گوناگون از قبیل عقد، عهد، و میثاق در آیات آمده است - به این شرح است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ۵۳

ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمان های خود وفا کنید.

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ ۵۴

و به پیمان های خود وفا کنید که از پیمان ها سؤال خواهد شد.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ ۵۵

و کسانی که نسبت به اماناتشان و پیمانشان رعایت کننده هستند.

وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ

۵۲. ر. ك: طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر

نمونه، ج ۲، ص ۱۹؛ نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۱، ص ۴۲۳؛ عاملی، تفسیر

عاملی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج

۳، ص ۶۹؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۱، ص ۲۰۵؛ کلینی، الفروع من

الکافی، ج ۵، ص ۲۷، ح ۱؛ حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۸، ح ۲.

۵۳. مائده، آیه ۱.

۵۴. اسراء، آیه ۳۴.

۵۵. مؤمنون، آیه ۸.

وَأُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۵۶؛

و مؤمنین کسانی هستند که به پیمان های خود وفا می کنند هنگامی که پیمان می بندند و در سختی و آسایش صبر می کنند و نیز در هنگام جنگ اینان کسانی هستند که راست گفتند و اینانند پرهیزگاران .

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۵۷؛

آری هر کس به پیمانش وفا کند و پرهیزکاری پیشه کند پس خداوند پرهیزکاران را دوست دارد .

وفاداری به پیمان ، از دستورهای مکرر امامان معصوم (ع) و سیره مستمر ایشان نیز بوده است . به عنوان مثال ، حضرت امیر مؤمنان ، علی (ع) در فتنه مشهور حکمیت فرمودند :

ويحكم أبعده الرضا والميثاق والعهد نرجع؟ أليس الله تعالى قد قال: أوفوا بالعقود و قال: و أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم ولا تنقضوا الأيمان بعد توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلاً؟ ۵۸

وای بر شما آیا بعد از رضایت و پیمان و عهد از قرارم برگردم؟ آیا خدا نفرمود که به عهد وفا کنید و گفت وفا کنید به عهد خدا آنگاه که پیمان بستید و قسم هایتان را بعد از محکم کردن آنها نقض نکنید در حالی که خداوند شما را بر آنها کفیل قرار داده است .

ایشان در نهج البلاغه نیز می فرمایند :

وإن عقدت بينك وبين عدو عقدة أو البسته منك ذمة فحط عهدك بالوفاء، وارع ذمتك بالأمانة، واجعل نفسك جنة دون ما أعطيت فإنه ليس من فرائض

۵۶ . بقره، آیه ۱۲۷ .

۵۷ . آل عمران، آیه ۷۶ .

۵۸ . بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۵۴۵ .

اللّٰهُ شِيءٌ النَّاسِ اَشَدَّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ اَهْوَانِهِمْ وَ تَشْتَّتِ اَرَاثِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ
 الْوَفَاءِ بِالْمَعْهُودِ، وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمَشْرُكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا
 اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ، فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ، وَلَا تَخِيْسَنَّ بِعَهْدِكَ، وَ
 لَا تَخْتَلَنَّ عَدُوَّكَ، فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِئُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ. وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ
 عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ أَمْنًا، أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ وَ حَرِيْمًا يَسْكُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ وَ
 يَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ؛^{٥٩}

اگر بین خود و دشمنت پیمانی بستى و یا تعهد کردى که به او پناه دهى،
 جامه و فارا بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان
 خود را سپر تعهدات خویش قرار ده! زیرا هیچ یک از فرایض الهی مانند
 وفای به عهد و پیمان نیست که مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند
 نسبت به آن اینچنین اتفاق نظر داشته باشند و حتى مشرکان زمان جاهلیت
 آن را مراعات می کردند، چرا که عواقب پیمان شکنی را آزموده بودند.
 بنابراین، هرگز پیمان شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار و
 دشمنت را فریب مده، زیرا غیر از شخص جاهل و شقی، کسی گستاخی
 بر خداوند را روا نمی دارد. خداوند عهد و پیمانی را که به نام او منعقد
 می شود با رحمت خود مایه آسایش بندگان و حریم امنی برایشان قرار داده
 تا به آن پناه برند.

در مکتوبه ای از رسول اللّٰه (ص) نیز آمده است: «وَ إِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ؛ وَ چُونِ نَقَضَ عَهْدَ كَرَدْنَا خَدَاوْنَا دَشْمَنَشَانِ رَا بَرِ اَنْهَا مَسْلُط
 كَرْد.»^{٦٠} علامه مجلسی در توضیح روایت فرموده است: «ظاهر این است که مراد

٥٩. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ٥٣، ص ١٠٢٧-١٠٢٨.

٦٠. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٠، ص ٣٦٩.

از عهد همان معاهده با کفار است. ^{۶۱} نیز امام موسی کاظم (ع) از پدرانیش، از رسول خدا (ص) نقل کرده است: «لا دینَ لمن لا عهدَ له؛ دین ندارد کسی که به پیمان خود وفا نکند». ^{۶۲} از سیره ایشان نیز موارد بسیاری از مراقبت از پیمان ها نقل شده است. ^{۶۳} بنابراین، اصل در اسلام، وفای به معاهدات است. حال با توجه به عضو بودن جمهوری اسلامی ایران در پیمان های بین المللی منع گسترش سلاح های کشتار جمعی، نظام اسلامی شرعاً باید به این تعهدات پایبند بماند. این پایبندی نه یک حرکت تقیه ای تاکتیکی، بلکه یک استراتژی اخلاقی اسلامی است. بر این اساس، به دلیل عضویت نظام جمهوری اسلامی ایران در پیمان های منع استفاده از سلاح های کشتار جمعی، از نظر فقه اسلامی نقض این پیمان ها و استفاده از سلاح های کشتار جمعی ممنوع است.

۳-۵. حرمت استفاده از سلاح های آتش زا

از دیگر مواردی که در آداب جهاد در متون دینی آمده و همانند منع انتشار سم در بلاد کفار، در موضوع بحث می توان به آن نیز استناد کرد، منع استفاده از سلاح های آتش زا علیه دشمن است. در روایات نیز به این مورد اشاره شده است:

عن أبي عبد الله (ع)، قال: ان النبي (ص) كان إذا بعث أميراً له على سرية أمره بتقوى الله عز وجل في خاصة نفسه ثم في أصحابه عامة ثم يقول: ... ولا تحرقوا النخل ... ولا تحرقوا زرعاً... ^{۶۴}

هرگاه امیری را به همراه گروهی برای جهاد می فرستاد وی را امر به تقوای

۶۱. همان.

۶۲. همان، ج ۷۲، ص ۹۶.

۶۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۳.

۶۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۹، ح ۳.

خداوند خصوصاً در مورد خودش و سپس یارانش می‌کرد و می‌گفت درخت خرما را آتش نزنید و محصولات کشاورزی را نسوزانید.

عبدالله ابن مسعود عن ابيه، قال: قال رسول الله (ص): لا تعذبوا بالنار فإنه لا يعذب بالنار الا ربها؛^{۶۵}

پیامبر(ص) فرمود: با آتش عذاب نکنید که با آتش جز خدای آتش عذاب نمی‌کند.

بر اساس این گونه روایات نتیجه می‌گیریم که استفاده از برخی تسلیحات غیر متعارف کشتار جمعی در جنگ حرام است؛ چراکه مصداق سلاح‌های آتش‌زاست.^{۶۶}

مصادیق این گونه سلاح‌ها در عصر رسول خدا (ص) و ائمه (ع) بسیار ابتدایی بوده است، ولی مصادیق پیشرفته‌تری از آن در عصر حاضر موجود است که به قیاس اولویت قطعی، می‌توان حکم حرمت را شامل آنها نیز دانست.

۳-۶. قاعده سعی در فساد

یکی دیگر از ادله فقهی که می‌توان بر اساس آن، بر حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حکم داد، قاعده حرمت سعی در فساد است. این قاعده، برگرفته از حکم کلی قرآنی است که در وصف انسان‌های شرور می‌گوید: «وَكَيْدًا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا...»؛ و آنگاه که متولی امر می‌شود تلاش می‌کند که در زمین فساد برپا کند.^{۶۷} بر این اساس، در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین منجر می‌شود، مصداق سعی در فساد، و موضوع این قاعده است و در نتیجه محکوم به حرمت خواهد بود. از منظر عقل، عقلا و عرف نیز

۶۵. ابن ابی شیبہ کوفی، المصنّف، ج ۷، ۶۵۸.

۶۶. محقق حلّی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۶؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۸۵.

۶۷. بقره، آیه ۲۰۵.

استخدام سلاح های کشتار جمعی، از روشن ترین مصادیق سعی در فساد به شمار می رود و از منظر فقه شیعه ممنوع است؛ زیرا طبق این قاعده، آنچه به فساد در زمین ختم می شود، ممنوع است. با توجه به اینکه سلاح های کشتار جمعی از نظر تخریب محیط زیست و تأثیر بر انسان ها و ژنتیک انسانی با سلاح های متعارف، به طور اساسی تفاوت دارند و امنیت جهانی را به مخاطره می اندازد. روشن است که اسلام اجازه این افساد را به مسلمانان نخواهد داد.

۳-۷. قاعده وزر

یکی دیگر از ادله فقهی که می توان بر اساس آن به حرمت کاربرد سلاح های کشتار جمعی حکم داد، قاعده وزر است. این قاعده از حکم حکیمانه الهی برگرفته شده است که می فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى».^{۶۸} براین اساس از منظر فقه اسلامی، دامنه مجازات نباید کسانی را دربرگیرد که استحقاق آن را ندارند. به عبارت دیگر، هیچ کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی گردد که دیگران مرتکب آن شده اند. مطابق نظر عقل، عقلا و عرف، به کارگیری سلاح های کشتار جمعی، نقض این قاعده را به صورتی تکرار شونده، انبوه، پیش بینی ناپذیر و خارج از کنترل در پی دارد؛ زیرا به شیوه ای گسترده و فارغ از تمایز گذاری، مجموعه ای وسیع از انسان ها را هدف قرار می دهد. طبق قاعده وزر، کشتن بی گناهان به دلیل تعداد معدودی گناهکار صحیح نیست. به همین دلیل، استفاده از سلاح های کشتار جمعی که نه تنها یک نسل، بلکه نسل های بعدی را هم از بین می برد، مجاز نیست.

۴. بررسی ادله مخالفان

آنچه گفته شد، ادله موافقان حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی بود.

۶۸. انعام، آیه ۱۶۴؛ اسراء آیه ۱۵؛ فاطر، آیه ۱۸؛ زمر، آیه ۷؛ نجم، آیه ۳۸.

ممکن است در مقام نظر، کسانی استدلال‌هایی در نفی حرمت این موضوع داشته باشند. البته روشن است که این استدلال‌ها در مقام نظر، برای دستیابی به حکم اولیه اسلام است؛ وگرنه در مقام عمل حکم حکومتی ولی فقیه فصل الخطاب در این مسئله و اجرای آن بر همگان لازم است. در این بخش به بررسی مهم‌ترین ادله فقهی مخالفان می‌پردازیم.

۴-۱. قاعده ضرورت بازدارندگی و ترساندن کفار

قاعده ضرورت ترساندن و بازدارندگی کفار، برآمده از آیات قرآنی است و موافقان استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی بر این اساس به آن استناد می‌کنند که چون کفار در حال حاضر مسلح به ده‌ها هزار کلاهک هسته‌ای در سرتاسر نقاط جهان هستند، در مقابل، اسلام نیز به بازدارندگی متقابل و مبتنی بر ارباب مستکبران و موازنه قدرت نظامی دعوت می‌کند. پس مسلمین نیز باید مسلح به سلاح‌های کشتار جمعی باشند و حتی اگر در شرایطی لازمه بازدارندگی و ارباب کفار مسلح به سلاح‌های کشتار جمعی، استفاده از این سلاح‌ها باشد، اسلام آن را اجازه می‌دهد.

یکی از محکم‌ترین ادله ایشان آیه‌ای از کلام الله مجید است که در مقابله با دشمن، بر مسلمانان لازم می‌داند قدرت دفاعی و نظامی خود را تا حد امکان افزایش دهند و می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛^{۶۹}

و در برابر آنها آنچه در توان دارید از نیرو و اسبان آماده فراهم سازید تا بدین

۶۹. انفال، آیه ۶۰.

وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری غیر از آنها را که شما نمی شناسید، [و] خداوند آنها را می شناسد، بترسانید. و هر چیزی را که در راه خدا انفاق کنید [در روز جزا] به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی رود.

در این آیه شریفه که از محکّمات کتاب الهی است، خداوند متعال به صورت امر و جویی، واجب فرموده که مسلمانان خود را آماده کنند. از ظهور عنوان «اعدوا»، وجوب آمادگی برای مقابله با دشمنان استفاده می شود. این آمادگی، هم شامل نیروی انسانی می شود و هم شامل ابزار و ادوات جنگی. عبارت «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» بر عمومیت دلالت دارد، خداوند می فرماید هر مقدار که استطاعت دارید، خود را تقویت کنید. تعبیر «مِنْ قُوَّةٍ» نیز اطلاق دارد و شامل هرگونه سلاح می شود. بر این اساس، اگر چه در برخی روایات از «قوة» به شمشیر یا سپر تعبیر شده، روشن است که این موارد، مصادیقی از سلاح است. در آیه شریف، هدف از لزوم تقویت بنیه جنگی مسلمانان، ترساندن دشمنان آشکار خدا و مسلمین و کسانی است که عداوت شان پنهان است. از این مهم استفاده می شود که اصل ترساندن کفار، یکی از اصولی است که حکومت اسلامی در دکتربین امنیت نظام اسلامی همواره باید به آن توجه داشته باشد. نمی توان از آیه شریفه استفاده کرد که لزوم تقویت فقط برای ترساندن باید باشد؛ بلکه ترساندن، یکی از غایاتی است که برای لزوم تقویت جنگی مدنظر است. در نتیجه، در مواردی که در دشمنان ترسی هم ایجاد نشود، باز از آیه به عنوان یک وجوب شرعی که ظهور در مولوی بودن هم دارد، استفاده می شود که مسلمانان همیشه باید خود را به قوی ترین سلاح هایی که در توان دارند، مجهز سازند. بنابراین از این آیه و اطلاق آن چنین استفاده می شود که در دنیای معاصر، تولید سلاح اتمی به منظور تقویت نیروی دفاعی مسلمانان جایز و بلکه واجب است. این وجوب به ویژه در صورتی

مؤكد می شود که این امر، موجب ترس دشمنان و کسانی شود که قصد مقابله با مسمانان و نظام اسلامی را دارند. بنابراین با عنایت به اطلاق محکم و همه جانبه این آیه، از منظر اسلام تولید سلاح های کشتار جمعی نه تنها حرام نیست، بلکه با هدف بازدارندگی و ترساندن کفار، دستیابی به این گونه سلاح ها در شرایط ظالمانه کنونی جهانی، جایز، بلکه بر حکومت اسلامی واجب است.

۱-۴-۱. نقد و بررسی استدلال به قاعده بازدارندگی

در جواب این استدلال، باید گفت که اگرچه ظهور ابتدایی آیه یاد شده و اطلاق آن، محکم تر از آن است که به راحتی مورد مناقشه قرار گیرد، برخی آیات دیگر در نتیجه گیری نهایی از این آیه خدشه ایجاد می کند. به بیان ساده تر، شکی نیست که مسلمانان از نظر نظامی در مقابل کفار و منافقان باید به قدری توانمند باشند که همین توان بالای دفاعی و ترس دشمن از تلافی مسلمانان، بزرگ ترین اهرم بازدارنده در مقابل دشمن باشد، اما اینکه اسلام اجازه دهد از هر وسیله ای، هر چند که خلاف روح رأفت و جوانمردی اسلامی استفاده شود و اینکه در جهان معاصر، سلاح های کشتار جمعی یگانه عامل ترساندن کفار و بازدارندگی ایشان از تجاوز به مسلمانان است، به شدت تأمل برانگیز است. توضیح اینکه در مقابل اطلاق محکم آیه ذکر شده، می توان به اطلاق برخی آیات معارض با این آیه نیز اشاره داشت؛ به عنوان مثال خداوند در جای دیگری می فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^{۷۰}؛

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند؛ بجنگید، ولی از اندازه

درنگذرید؛ زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد.

بر اساس ظهور ابتدایی آیه، و نه ظهور مستقر انتهایی فتوا داده شود، این آیه بر

۷۰. بقره، آیه ۱۹۰.

پایه اطلاقش، به راحتی دلالت دارد که استفاده از سلاح های کشتار جمعی که از موارد روشن اعتدا در جهان معاصر است، به طور مطلق حرام و ممنوع است. بیشتر مفسران در مورد «لا تعتدوا» دو احتمال داده اند: احتمال اول اینکه مراد، نهی از تجاوز به غیر جنگجویان است؛ یعنی به غیر جنگجویان ستم نکنید و فقط با کفار و مشرکانی بجنگید که در حال جنگ مستقیم با شما هستند. ابن جریر و ابن قنر و ابن ابی حاتم به صراحت از ابن عباس نقل کرده اند که مراد از «لا تعتدوا» این است:

لا تقتلوا النساء ولا الصبیان ولا الشیخ الکبیر ولا من ألقى إلیکم السلم و

کفّ یدیه فإن فعلتم هذا فقد اعتدیتم؛^{۷۱}

زنان و کودکان و پیرمردان را و کسی را که به سوی شما دست صلح دراز کرده، نکشید که اگر این کارها را کنید تجاوز کرده اید.

بر اساس این احتمال، حتی با مردانی از کفار که به صورت مستقیم در جنگ شرکت نمی کنند، نباید جنگید. احتمال دوم این است که مراد از نهی از اعتدا در سه مورد است: یکی اینکه مسلمانان باید پیش از جهاد، کفار را به اسلام دعوت کنند، بنابراین اگر بدون دعوت به اسلام با آنان بجنگند، از مصادیق تجاوز است. دوم آنکه با هم پیمانان مسلمانان جنگ نکنند. سوم آنکه با کودکان و زنان و پیرمردان نجنگند. این نظر مفسران بود. اما نظر فقهی حکم می کند که ظاهراً هیچ یک از این دو احتمال، به تنهایی صحیح نیست؛ بلکه نهی از اعتدا یک نهی مطلق است و از هرگونه تجاوز نهی می کند؛ یعنی هر چیزی که بر آن اعتدا صدق کند. بدین سبب، این نهی شامل نهی از تخریب ساختمان ها، از بین بردن درختان و مسموم کردن آنها، و مثله کردن و شکنجه و زنده زنده سوزاندن و نظایر آن نیز می شود. بر این اساس به طور قطع و یقین می توان نظر داد که استفاده از سلاح های

۷۱. طبری، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، ج ۲، ص ۱۹۰.

کشتار جمعی، از مصادیق اعتدال است که در این آیه تحریم شده است. در نتیجه می توان گفت آیه شریفه ای که موافقان تولید سلاح های کشتار جمعی به آن و امثال آن استناد می کنند، به این آیه شریفه مقید و محدود می شود؛ یعنی مسلمانان باید نیروی نظامی خود را تا اندازه ای تقویت کنند که عنوان اعتدال بر آن صدق نکند. نیز از آنجا که این گونه سلاح ها موجب فساد در زمین می شود، آیات دال بر نهی از فساد نیز می توانند آیات محل بحث را در برخی مصادیق، مقید و محدود کنند. علاوه بر این، از منظر سیره عرف و کارشناسان خبره نظامی و شیوه عقلا در دنیای امروز، سلاح های کشتار جمعی تنها اهرم بازدارنده نیست؛ بلکه چه بسا داشتن این سلاح ها، بهانه ای به دست کفار دهد؛ زیرا بدیهی است که اگر دکترین موازنه آتش به نحو مطلق، به عنوان دکترین موازنه رعب مد نظر اسلام معرفی شود، هرگز با داشتن یک یا چند سلاح هسته ای محدود، نمی توان در مقابل چندین هزار سلاح کشتار جمعی رقیب، به این هدف دست یافت. در نتیجه نظام اسلامی نیز باید در همان حد به تکثیر این سلاح ها اهتمام کند که با توجه به امکانات محدود آن، این امر دست کم در کوتاه مدت و شاید میان مدت چندان دست یافتنی نخواهد بود. در نتیجه نظام اسلامی، حداکثر می تواند چند سلاح محدود در مقابل سلاح های اتمی نامحدود دشمنان تولید کند. این امر موازنه رعب را فراهم نمی کند و صاحبان زرادخانه های اتمی، از چند بمب اتمی چندان احساس ترس نمی کنند؛ بلکه برعکس بهانه ای می شود برای حمله و حتی حمله هسته ای به نظام اسلامی. در حالی که این موازنه رعب را از راه های نظامی دیگری نیز می توان به دست آورد؛ راه هایی که بیشتر از اینکه مبتنی بر توسعه حداکثری قدرت آتش باشد، بر توسعه معقول قدرت آتش، متناسب با مقدرات و ملزومات هر کشور صلح طلب عاقل و بر توسعه حداکثری ایمان و روحیه شهادت طلبی در میان جوانان مسلمان متکی است. به نظر می رسد در حال حاضر این الگو، موفق تر از الگوی مد نظر موافقان

تولید سلاح های کشتار جمعی، در راه توسعه امنیت مسلمانان عمل می کند. تجارب ایران، عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و جای جای جهان اسلام، شاهد گویای این واقعیت است که امروزه بر خورداری از سلاح های کشتار جمعی تنها اهرم بازدارنده کفار از تجاوز به نظام اسلامی است و نه کسانی که هزاران هزار از این سلاح ها در اختیار دارند، در دنیای چندان امنی زندگی می کنند! بر این اساس، عرف و عقلا نیز چنین اطلاقی را از آیه مورد بحث که مورد نظر موافقان تولید سلاح های کشتار جمعی است نمی پذیرند. بنابراین قاعده فقهی بازدارندگی و ایجاد ترس که موافقان تولید سلاح های هسته ای به آن استناد می کنند، از نفی حرمت استفاده از این نوع سلاح ها ناتوان است.

۲-۴. قاعده ضرورت اعتدا و مقابله به مثل

یکی دیگر از قواعدی که ممکن است برخی بر اساس آن، استفاده از سلاح های کشتار جمعی را مجاز بدانند، قاعده ضرورت اعتدا و مقابله به مثل است. این قاعده برگرفته از این آیه شریفه است که می فرماید:

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛^{۷۲}

این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است، و [هتک] حرمت ها قصاص دارد. پس هرکس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است»^{۷۲}

می توان نتیجه گرفت که مسلمانان برای مقابله به مثل با تهدید کفار و به هم نخوردن موازنه قدرت بین اسلام و کفر به نفع جبهه کفر، می توانند چنین سلاح های کشتار جمعی را تولید کنند. بر اساس همین استدلال، در صورت استفاده

۷۲. بقره، آیه ۱۹۴.

کفار از این نوع سلاح ها ، مسلمانان نیز می توانند در مقام مقابله به مثل ، از چنین سلاح هایی استفاده کنند . پس استفاده از سلاح های کشتار جمعی ، در شرایط خاص مجاز است .

۱-۲-۴ . نقد و بررسی استدلال به قاعده اعتدال

در پاسخ این استدلال باید دقت داشت که اولاً از ظاهر آیه شریفه چنین برمی آید که مورد این قاعده ، شرایطی است که تجاوز ظالمانه ، محقق شده باشد . بر این اساس ، صرف داشتن سلاح های کشتار جمعی ، در عرف از مصادیق تجاوز محسوب نمی شود . در نتیجه ، فرض اول این اشکال از مدلول آیه شریفه ظاهراً خارج است . ثانیاً در فرض دوم اشکال ، یعنی استفاده کفار از این نوع سلاح ها نیز باید گفت که آیه شریفه صرفاً در مقام بیان مشروعیت اصل مقابله به مثل است ؛ یعنی گویا می خواهد بیان کند که اصل مقابله به مثل در کل پذیرفته است . پس نمی توان از آن اطلاقی را استفاده کرد ؛ به عنوان مثال ، مفسر یا فقیهی از این آیه شریفه چنین برداشت نکرده که اگر کفار ، زن ها و کودکان مسلمین را اسیر کنند و به آنها تجاوز و آنان را مثله کرده و به قتل برسانند ، در مقابل ، مسلمانان نیز می توانند به زن ها و کودکان کفار این گونه تعرض کنند . بر این اساس ، نمی توان از این آیه شریفه جواز مقابله به مثل را استخراج کرد و بر پایه آن فتوا داد که در صورتی که کفار آب های آشامیدنی شهرهای مسلمانان را مسموم کردند ، مسلمانان هم باید در مقام مقابله به مثل ، آب های آشامیدنی شهرهای آنها را مسموم کنند ؛ چرا که آیه شریفه فقط در مقام بیان اصل مشروعیت کلی مقابله به مثل است و اطلاقی به این شکل که موافقان تولید سلاح های کشتار جمعی در پی آن هستند ، ندارد . حداکثر ظهور آیه در این است که مسلمانان نباید در مقابل تجاوز کفار ، بی اعتنا باشند و اگر آنها به مسلمانان آسیب زدند ، مسلمانان نیز باید در مقام مقابله به مثل ، آسیب آنها را تلافی کنند ؛ زیرا هم عقل و هم عقلا متفق اند که اگر دشمن سزای عملش را نبیند ،

در تجاوز جسورتر می شود. اما این هرگز به معنای آن نیست که دشمن هر عملی انجام داد، مسلمانان از او تقلید کنند و همان کار را علیه او انجام دهند؛ حتی اگر مرزهای عدالت و اخلاق را درنوردید. مسلم است که این اطلاق گیری ابتدایی، در تعارض با سایر آیات و روایات، هرگز مستقر نشده، حجیت نخواهد یافت. ثالثاً چه بسا بتوان برداشتی دقیق تر نیز از آیه شریفه داشت؛ به این بیان که می توان ادعا کرد آیه ظهور در این دارد که مقابله به مثل مسلمانان نباید بیش از تجاوز کفار باشد؛ یعنی در مقام بیان نوع مقابله به مثل نیست و فقط در مقام نفی زیادتی آن است. به بیان دیگر، آیه شریفه تنها در مقام نفی اعتدای افزون تر از حد است و پس، نه اثبات اعتدای محقق. بر این اساس، این آیه اساساً صلاحیت مبنا قرار گرفتن برای استدلال مخالفان حرمت تولید سلاح های هسته ای را از دست خواهد داد.

نتیجه

آنچه آمد، گوشه ای از ادله فقهی بود که در مسئله حرمت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی از منظر فقه شیعی به آن استناد می شود. اما فارغ از تمامی این ادله، مسلمانان هرگز نباید اقدامی کنند که باعث تضییع بیت المال، بی اعتباری حکومت اسلامی و بدبینی به امت اسلامی شود،^{۷۳} به ویژه در اوضاعی که حاکم نظام اسلامی به صراحت به حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی حکم داده است، نقض این حکم، از نظر شرعی برای هیچ مقام حقیقی یا حقوقی دیگری جایز نیست؛ زیرا موضوع محل بحث، جدای از مباحث کارشناسی فقهی، یک موضوع حکومتی است و شأن حاکم اسلامی است که با مراعات اصول عقلایی، عزت، حکمت و مصلحت و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، حرف آخر را در این

۷۳. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۴۲۶.

زمینه بزند. نیز در جای خود و در بحث دکترین امنیتی نظام اسلامی، باید روشن گردد که در درگیری جهانی بین اسلام و کفر، قدرت اصلی نظام اسلامی برای برهم زدن موازنه به نفع جبهه توحید، نه در قدرت برتر اسلحه، بلکه در ایمان و اراده قوی تر است؛ ایمانی که بر پایه سنت الهی پیروزی حق بر باطل، در عرصه درگیری تاریخی بین حق و باطل، هرگز شکست نخواهد خورد.

بر این اساس، حرمت استفاده از سلاح های کشتار جمعی در فقه اسلامی، به معنای تسلیم شدن در برابر مستکبران مسلح به این سلاح ها و جواز ترك درگیری با مستکبران نیست؛ بلکه در نگاهی عمیق تر، این حکم به این معناست که نظام اسلامی در جهاد با نظام کفر جهانی و غلبه نهایی آن، اصولاً از چنین سلاح هایی بی نیاز است. از این رو، رهبر انقلاب نیز در بیانی که برخاسته از مبانی یاد شده است، به صراحت فرمودند:

ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن این گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است. این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده. ما دنبال این نمی رویم. ما دنبال آن چیزی می رویم که قدرت های سلطه گر حقیقتاً از آن باید بترسند، و من اعتقاد این است الان هم از همان می ترسند، و آن بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه امت اسلام. ما این کار را خواهیم کرد؛ این را بدانند. ۸۰

۸۰. بیانات امام خامنه ای، در دیدار با دست اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

- فهرست منابع و مآخذ
۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه.
 ۳. ابن اثیر، ابوالحسن، الكامل في التاريخ، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ هـ.ق.
 ۴. ابن حمزه طوسی، ابوجعفر محمد بن علی، الوسيلة إلى نيل الفضيله، تهران، مركز الحج و العمرة، ۱۴۰۶ هـ.ق.
 ۵. ابن زهره حلبی، غنية النزوع إلى علمي الاصول و الفروع، قم، كتابخانه آيت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
 ۶. ابن كثير دمشقی، ابوالفداء اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷ هـ.ق.
 ۷. ابن هشام، محمد، السيرة النبوية، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۵ هـ.ق.
 ۸. ابواتله، خديجه، الاسلام و العلاقات الدولية في السلم و الحرب، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۸۳ م.
 ۹. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، زبدة البيان في أحكام القرآن، تهران، كتابفروشی مرتضوی، بی تا.
 ۱۰. _____، مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
 ۱۱. اسماعيلي، اسماعيل، «اصل نخستين در بر خورد با غير مسلمانان»، مجله فقه، قم، دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۴، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۶.
 ۱۲. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ هـ.ق.

- ١٣ . حرّ عاملى، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحياء التراث، ١٤٠٩هـ.ق.
- ١٤ . حسینی، سيد ابراهيم، اصل منع توسل به زور و موارد استثناء آن در اسلام و حقوق بين الملل معاصر، قم، نشر معارف، ١٣٨٢ .
- ١٥ . حسینی عاملی، سيد محمدحسن، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، بيروت، دارالهادى، ١٤١٥هـ.ق.
- ١٦ . حلبى، ابو الصلاح، الكافي في الفقه، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين على(ع)، ١٣٦٢هـ.ش.
- ١٧ . حلى، ابن ادريس، السرائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ جامعه مدرسين، دوم، ١٤١٠هـ.ق.
- ١٨ . محقق حلى، نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن الحسن، المختصر النافع، طهران، مؤسسة البعثة، چاپ دوم، ١٤٠٢هـ.ق.
- ١٩ . _____، شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، ١٤١٢هـ.ق.
- ٢٠ . _____، تلخيص المرام في معرفة الاحكام، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم، ١٤٢١هـ.ق.
- ٢١ . علامه حلى، الحسن بن يوسف بن مطهر، مختلف الشيعة في احكام الشريعة، قم، دفتر تبليغات اسلامى، بى تا.
- ٢٢ . _____، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه، ١٤١٢هـ.ق.
- ٢٣ . _____، قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٣هـ.ق.

٢٤. خويى، سيد ابو القاسم، منهج الصالحين، قم، نشر مدينة العلم، ١٤١٠هـ.ق.
٢٥. رازى، ابو الفتوح حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى، ١٤٠٨هـ.ق.
٢٦. راوندى، قطب الدين سعيد بن هبة الله، فقه القرآن في شرح آيات الاحكام، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٥هـ.ق.
٢٧. زحيلي، وهبة بن مصطفى، آثار الحرب في الفقه الإسلامى، دمشق، دار الفكر، ١٤١٢هـ.ق.
٢٨. ———، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، بيروت، دار الفكر المعاصر، ١٤١٨هـ.ق.
٢٩. ———، العلاقات الدولية في الاسلام مقارنة بالقانون الدولي الحديث، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٧٨م.
٣٠. سبحانى، جعفر، فروغ ابدى، قم، دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم، ١٣٧٥هـ.ش.
٣١. سبزوارى، سيد عبد الأعلى، مهذب الاحكام في بيان الحلال و الحرام، قم، مؤسسة المنار، چاپ چهارم، ١٤١٣هـ.ق.
٣٢. سيوطى، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤هـ.ق.
٣٣. شريف لاهيجى، محمد بن على، تفسير شريف لاهيجى، تهران، دفتر نشر داد، ١٣٦٢.
٣٤. شيرازى، سيد محمد، الفقه، بيروت، دارالعلوم، چاپ دوم، ١٤٠٩هـ.ق.
٣٥. صدر، سيد محمد، ماوراء الفقه، تحقيق و تصحيح: جعفر هادى دجيلى، بيروت، دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٠هـ.ق.

٣٦. صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، چاپ سوم، ١٤١٣ هـ.ق.
٣٧. علامه طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٧٤ هـ.ش.
٣٨. ———، ترجمه تفسير الميزان، سيد محمد باقر موسوي همداني، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ج ٥، ١٣٧٤.
٣٩. طبرسي، ابو على فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ١٤٠٨ هـ.ق.
٤٠. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٠٣ هـ.ق.
٤١. طوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام، تهران، دارالکتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ١٤٠٧ هـ.ق.
٤٢. ———، المبسوط في فقه الامامية، تهران، دارالکتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ١٣٦٥.
٤٣. ———، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دارالکتب العربي، چاپ دوم، ١٤٠٠ هـ.ق.
٤٤. عاملی، ابراهيم، تفسير عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ١٣٦٠ هـ.ش.
٤٥. شهيد اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعية في فقه الامامية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ دوم، ١٤١٧ هـ.ق.
٤٦. شهيد ثانی، زين الدين بن على، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، نجف، انتشارات جامعة النجف الدينيه، ١٣٧٨ هـ.ق.
٤٧. ———، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلاميه، ١٤١٣ هـ.ق.

٤٨. على منصور، الشريعة الاسلامية والقانون الدولي العام، قاهره، مطابع اهرام التجاريه، ١٩٧١ م.
٤٩. عميد زنجاني، عباسعلى، وطن و سرزمين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ پنجم، ١٣٦٨.
٥٠. ———، فقه سياسي، تهران، امير كبير، چاپ سوم، ١٣٧٧.
٥١. فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبدالله، كنز العرفان في فقه القرآن، تهران، مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي، ١٤١٩ هـ. ق.
٥٢. فيض كاشاني، ملا محمد محسن ابن شاه مرتضى، تفسير الصافي، تهران، انتشارات صدر، ١٤١٥ هـ. ق.
٥٣. ———، الوافي، تحقيق و تصحيح: حسيني اصفهاني، اصفهان، كتابخانه امام امير المؤمنين علي (ع)، ١٤٠٦ هـ. ق.
٥٤. قاضي ابن البراج، المهذب، با اشراف جعفر سبحاني، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٦ هـ. ق.
٥٥. قرائتي، محسن، تفسير نور، تهران، مركز فرهنگي درسهاي از قرآن، ١٣٨٣ هـ. ش.
٥٦. محقق ثاني (عاملی کرکی)، علي بن الحسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ دوم، ١٤١٤ هـ. ق.
٥٧. كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ١٤٠٧ هـ. ق.
٥٨. مجلسي ثاني، المولى محمدباقر بن المولى محمدتقي، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ هـ. ق.
٥٩. محقق داماد، سيد مصطفى، «تدوين حقوق بشر دوستانه بين المللي و مفهوم اسلامي آن»، مجله تحقيقات حقوقی، تابستان و زمستان ٧٥، شماره ١٨.

۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۶۱. ممتاز، جمشید، حقوق بین الملل سلاحهای کشتار جمعی، ترجمه: امیر حسین رنجریان، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶۲. نجفی، محمدحسن بن باقرین عبدالرحیم، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق و تصحیح: عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۳. نوری، میرزا حسین (محدث)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مشهد، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۷.
۶۴. نواوی، عبدالخالق، العقلات الدولیة والنظم القضائیة فی الشریعة الاسلامیة، بیروت، دارالکتب العربی، اول، ۱۳۹۴ هـ. ق - ۱۹۷۴ م.
۶۵. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ هـ. ش.